

نگاهی نو به ساختار تشبیهات اضافی و وصفی با تأکید بر اشعار حافظ

میثم حاجی پور* / عنایت‌الله محمودی**

چکیده

تشبیه از مهم‌ترین و پرکاربردترین عناصر خیال در کلام و شعر است. این عنصر خیال‌انگیز به اشکال مختلف دست‌مایه هنرنمایی شاعران و ادیبان بوده است. یکی از شیوه‌های تشبیه‌پردازی، آوردن ارکان تشبیه در ساختار یک گروه اسمی است. گروه‌های اسمی واحدهای نحوی هستند که هسته آن‌ها اسم است و معمولاً یک یا چند وابسته به صورت پیشین یا پسین آن‌ها را توضیح می‌دهد. گروه‌های اسمی با دو ساختار متفاوت ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) و ترکیب وصفی (موصوف و صفت) می‌توانند ارکان تشبیه را در خود جای دهند. آنچه تاکنون در این زمینه به آن پرداخته شده، اضافه‌های تشبیهی با ساختار ترکیب‌های اضافی است که در همه کتب بیان و بلاغت متأخر، آن را معادل تشبیه بلیغ اضافی دانسته‌اند که با دلالی که در این مقاله ذکر می‌شود این موضوع قابل قبول نخواهد بود. همچنین در کتب بلاغت متأخر و مقدم از ترکیب‌های وصفی تشبیهی، سخنی به میان نیامده است. این پژوهش بر آن است تا هر دو نوع گروه اسمی تشبیهی (ترکیبات اضافی و وصفی تشبیهی) را به کمک دستورهای جدید و مبتنی بر علم زبان‌شناسی با تأکید بر اشعار حافظ بررسی کند.

کلیدواژه: تشبیه، گروه اسمی، تشبیه اضافی، تشبیه وصفی، اشعار حافظ

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون (نویسنده مسؤول)

e56.mahmoodi@gmail.com

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱۲/۱۸ - پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۱/۰۳

۱. مقدمه

بیان، علم ادای معنی واحد به شیوه‌های گوناگون است (تفتازانی، ۱۴۰۹ق: ۳۰۰). شفیع کدکنی درباره علم بیان می‌نویسد:

«علم بیان، شیوه ادای موضوع و معنی به اسلوب‌های مختلف است و تشبیه در رأس این اسالیب قرار می‌گیرد و شاید تشبیه روشن‌ترین و آشکارترین این مباحث باشد و از همه در تمام ادوار بیشتر استعمال و کاربرد داشته است و بیجا نیست اگر نویسندگانی مانند مبرد و ابوهلال عسکری درباره اهمیت آن سخن‌های اغراق‌آمیز گفته‌اند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۴۶-۴۵).

پرکاربردترین شیوه ادای معنی، بهره‌گیری از تشبیه است. تشبیه را ادعای همانندی میان دو چیز می‌دانند. «تشبیه دلالت است بر مشارکت دو چیز در یک معنی (خطیب قزوینی، ۱۹۰۴م: ۲۳۸)، بر بنیاد پیوندی که به پندار شاعرانه، در میانه آن دو می‌توان یافت» (کزازی، ۱۳۶۸: ۴۰). شاعران و نویسندگان، ادعای همانندی بین دو چیز را به شیوه‌های متفاوتی بیان و اهل بلاغت نیز تشبیهات را از جهات گوناگون تقسیم‌بندی کرده‌اند که عموماً در کتب بلاغت و بیان تکرار شده است؛ تقسیماتی مانند تشبیه به اعتبار حسی و عقلی بودن طرفین، تشبیه به اعتبار تعدد طرفین مانند تشبیه جمع، تسویه، ملفوف و مفروق و تقسیماتی دیگر از قبیل مفرد، مرکب و مقید بودن یا تشبیهات تفضیل و مضمّر و انواع دیگر. یکی از شیوه‌های تشبیه‌پردازی، آوردن ارکان تشبیه در ساختار یک گروه اسمی است. برای روشن‌تر شدن موضوع، ابتدا گروه اسمی را از منظر زبان‌شناسی و دستور بررسی می‌کنیم.

زبان‌شناسان برای زبان، قائل به واحدهایی هستند که کوچک‌ترین آن‌ها واج و بزرگ‌ترین آن‌ها جمله مستقل است. برای تولید واحدهای زبانی بزرگ‌تر، باید واحدهای کوچک‌تر با هم ترکیب شوند. یکی از این واحدهای زبانی، گروه است که خود از ترکیب واژه‌ها حاصل می‌شود و با پیوستن به گروه‌های دیگر، واحد زبانی جمله را تولید می‌کند. «گروه، رشته یکپارچه و به‌هم‌بافته‌ای از واژه‌ها است که دارای

یکی از واژه‌های اصلی یا هسته فعل، اسم، حرف اضافه یا قید است و با نقش یا رابط دستوری خاصی در جمله به کار می‌رود» (مشکوٰۃ‌الدینی، ۱۳۸۴: ۲۰).

گروه‌های زبانی را به اعتبار هسته آن‌ها به گروه‌های اسمی، فعلی، قیدی و حرف اضافه‌ای تقسیم می‌کنند. با توجه به موضوع مقاله، فقط به بررسی گروه اسمی به صورت مختصر می‌پردازیم.

«به آن واحد نحوی که از یک یا چند واژه به هم مرتبط پدید می‌آید و واژه اصلی یا هسته آن اسم است، گروه اسمی گفته می‌شود. بر این پایه روشن است که در گروه اسمی همواره یک اسم به عنوان واژه اصلی یا واژه هسته به کار می‌رود؛ به علاوه ممکن است تنها اسم هسته در جایگاه گروه اسمی ظاهر شود» (همان: ۱۴۲).

هرچند بر اساس این تعریف می‌توان گفت هسته گروه به تنهایی هم می‌تواند در نقش یک گروه اسمی ظاهر شود اما معمولاً گروه اسمی مجموعه‌ای از چند واژه است که یک واژه، هسته و بقیه وابسته هستند. وظیفه وابسته‌ها توضیح هسته است. واژه‌ها بیشتر در قالب ترکیب‌های اضافی و وصفی به کمک کسره اضافه به هم می‌پیوندند و گروه‌های اسمی را پدید می‌آورند. ارتباط هسته و وابسته در ترکیب‌های اضافی و وصفی بیانگر مفاهیمی چون حالت و چگونگی، مالکیت، اختصاص، جنس و نوع، توضیح و تبیین، استعاره و تشبیه است. در این مقاله به آن دسته از گروه‌های اسمی می‌پردازیم که رابطه هسته و وابسته در آن‌ها بیانگر شباهت و همانندی باشد. آنچه را در کتب بیان و بلاغت در این زمینه آورده‌اند اضافه تشبیهی است که البته بیشتر آن را به نام تشبیه بلیغ اضافی می‌شناسیم.

با نگاهی دقیق به بحث تشبیه بلیغ اضافی در کتب بلاغت می‌توان دو ایراد و اشکال اساسی بر آن وارد کرد. نخست اینکه گروه‌های اسمی تشبیهی فقط در قالب ترکیبات اضافی نمی‌آیند و درصد بالایی از گروه‌های اسمی را ترکیبات وصفی تشبیهی به خود اختصاص داده‌اند؛ یعنی در ترکیبات وصفی (اضافه موصوف به صفت) هم می‌توان رابطه همانندی و شباهت را دریافت و دوم آن که همه اضافه‌های

تشبیهی، بلیغ نیستند. در متن اصلی مقاله به بررسی این دو ایراد و همچنین ساختمان تشبیهات اضافی و وصفی در دیوان حافظ می‌پردازیم.

۲. پیشینه بحث

در زمینه علم بیان به‌ویژه بحث تشبیه به‌طور کلی، کتب و مقالات متعددی نوشته شده است که اغلب با کمی تفاوت، همگی راه پیشینان را ادامه داده‌اند. در مورد تشبیه در دیوان حافظ، مقالاتی چون «ساختمان تشبیه و استعاره در شعر حافظ» (فرشیدورد، ۱۳۵۳) و «تکامل و انحطاط تشبیه در شعر حافظ» (فرشیدورد، ۱۳۵۳) نوشته شده است. در زمینه ساختار تشبیه در گروه‌های اسمی به شیوه مورد بحث در مقاله حاضر کاری انجام نشده است. پیش از این، دو مقاله بسیار کوتاه در زمینه بخش کوچکی از مطالب مورد بحث، نوشته شده است: مقاله اول نوشته سعید مهدوی‌فر (۱۳۹۱) با عنوان «تشبیه بلیغ و وصفی در ادب و بلاغت پارسی بر پایه دیوان خاقانی» است. این مقاله چهار صفحه‌ای فقط به تشبیه بلیغ و وصفی در دیوان خاقانی پرداخته و به دیگر ساخت‌های تشبیهات و وصفی اشاره‌ای نکرده است. مقاله دوم را قاسم صحرائی و علی حیدری (۱۳۸۷) با عنوان «آیا اضافه تشبیهی همان تشبیه بلیغ اضافی است؟» نوشته‌اند. نتیجه برجسته این مقاله این است که همه اضافه‌های تشبیهی، بلیغ نیستند. این مقاله کوتاه سه صفحه‌ای نکته دیگری درباره ساختمان تشبیهات اضافی ندارد. مقاله حاضر ضمن پرداختن به این دو موضوع به صورت مفصل، ساختمان تشبیهات اضافی و وصفی را در دیوان حافظ بر پایه دستورهای جدید و مبتنی بر علم زبان‌شناسی بررسی می‌کند.

۳. بحث کلی

گروه‌های اسمی که در آن‌ها رابطه هسته و وابسته بیانگر شباهت است، به دو شکل دیده می‌شود: الف) اضافه اسمی تشبیهی، ب) اضافه صفتی تشبیهی. به این

دلیل هر دو را اضافه می‌خوانیم که وابسته‌ها چه مضاف‌الیه و چه صفت به کمک کسره اضافه به هسته اضافه می‌شوند. در اضافه اسمی، هسته و وابسته هر دو اسم یا در حکم اسم هستند. این ساختار را بیشتر با نام مضاف و مضاف‌الیه یا ترکیب اضافی می‌شناسند اما در اضافه صفتی، وابسته، صفت است و این نوع ترکیب را بیشتر، موصوف و صفت یا ترکیب وصفی می‌خوانند. آنچه را که بلاغیون به نام اضافه تشبیهی یا تشبیه بلیغ اضافی به آن پرداخته‌اند، صرفاً ناظر به نوع اول؛ یعنی اضافه اسمی (مضاف و مضاف‌الیه) است و به ساختار تشبیه در اضافه‌های وصفی توجهی نکرده‌اند (شمیسا، ۱۳۸۱؛ ۱۱۶)، (کزازی، ۱۳۶۸: ۷۳)، (محمدی، ۱۳۹۰؛ ۸۹)، (صادقیان، ۱۳۸۲؛ ۱۷۲)، (ثروتیان، ۱۳۶۹: ۵۶)، (همایی، ۱۳۷۰؛ ۱۶۰).

در ادامه به توضیح ساختمان تشبیه در اضافه‌های اسمی و اضافه‌های صفتی می‌پردازیم. برای جلوگیری از تعدد نام‌گذاری و سردرگمی، اضافه‌های اسمی را ترکیب اضافی و اضافه‌های صفتی را ترکیب وصفی می‌نامیم و به تبع آن، تشبیهاتی را که در قالب چنین ترکیباتی آمده‌اند، به ترتیب تشبیه اضافی و تشبیه وصفی می‌خوانیم.

۴. تشبیهات اضافی

تشبیهات اضافی ترکیباتی هستند که در آن‌ها هسته و وابسته، هر دو اسم هستند و یکی از طرفین تشبیه (مشبه یا مشبه‌به) به کمک نقش‌نمای اضافه به دیگری اضافه می‌شود. اغلب، «مشبه‌به» به «مشبه» اضافه می‌شود و در اندک مواردی عکس آن نیز اتفاق می‌افتد. بلاغیون متأخر همگی اضافه تشبیهی را تشبیه بلیغ اضافی دانسته‌اند.

شمیسا درباره اضافه تشبیهی می‌نویسد:

«اضافه تشبیهی، تشبیهی است که در آن مشبه و مشبه‌به به هم اضافه شده باشند و در این صورت ادات تشبیه و وجه شبه محذوف است. به اصطلاح علم بیان، تشبیه هم مجمل است و هم مؤکد. به این گونه تشبیهات در علم بیان، تشبیه بلیغ می‌گویند؛ مثل قد سرو (اضافه مشبه به مشبه‌به) یا لعل لب (اضافه مشبه‌به به مشبه). تشبیه بلیغ یعنی تشبیه عالی و رسا؛ زیرا چنان که گفتیم تشبیه یکی از ابزارهای نقاشی در کلام و

به اصطلاح تصویری کردن شعر است، بنابراین بهتر است که اثر قلم موی نقاشی بر تابلو نماند. با حذف ادات تشبیه و وجه شبه کمک می‌کنیم تا خواننده فراموش کند که با تشبیه و در نتیجه با صناعت و کذب سروکار دارد» (شمیسا، ۱۳۸۱؛ ۱۱۶).

در ادامه همین مطلب، برای تشبیه بلیغ اضافی بیت‌ی از سعدی را شاهد مثال می‌آورد که از قضا خلاف نظر خودشان است؛ زیرا وجه شبه در آن ذکر شده و نمی‌تواند بلیغ باشد. آن بیت این است:

شبی زیت فکرت همی سوختم
چراغ بلاغت بیفروختم
(همان: ۱۱۶)

زیت فکرت: تشبیه اضافی وجه شبه: سوختن

چراغ بلاغت: تشبیه اضافی وجه شبه: افروختگی و روشنی

در دیگر کتب بلاغت و بیان نیز این اشکال دیده می‌شود:

محمدحسین محمدی در کتاب بلاغت خود در ذیل تشبیه بلیغ، شاهد مثال و توضیح زیر را آورده است:

«تا در آتشکده دل نگدازی صائب دعوی پختگی اندیشه خام است اینجا

در این بیت، دل از نظر سوختن به آتشکده مانند شده است اما در این تشبیه نه از ادات استفاده شده و نه وجه شبه ذکر شده است» (محمدی، ۱۳۹۰؛ ۸۹). در حالی که وجه شبه گداختن (با تأویل به مصدر) بعد از تشبیه اضافی «آتشکده دل» آمده است، مشخص نیست چرا نویسنده وجه شبه را سوختن محذوف می‌داند.

صادقیان نیز می‌نویسد: «گاه اضافه تشبیهی یا تشبیه بلیغ به صورت اضافه «مشبه به» به «مشبه» است؛ مانند لعل لب، کمان ابرو و کمند زلف:

هردم کمند زلفت صیدی دگر بگیرد پیکان غمزه در دل ز ابروی چون کمانت»
(صادقیان، ۱۳۸۲؛ ۱۷۲)

چنان که ملاحظه می‌شود شاهد مثال صادقان برای تشبیه بلیغ اضافی، وجه شبه دارد و بلیغ بودن آن پذیرفتنی نیست.

کمند زلف: تشبیه اضافی صید گرفتن: وجه شبه

بهر روز ثروتیان هم ذیل اضافه تشبیهی می‌نویسد: «اضافه تشبیهی را به اعتبار حذف وجه شبه و ادات تشبیه، می‌توان جزو تشبیهات بلیغ به‌شمار آورد» (ثروتیان، ۱۳۶۹: ۵۶).

کزازی نیز درباره تشبیه رسا (بلیغ) چنین می‌نویسد:

«تشبیهی است که مانروی و مانواژ هیچ‌یک در آن آورده نشده باشند. به سخنی دیگر، تشبیه رسا از سوی مجمل و از دیگر سوی استوار است. گاه تشبیه رسا در آمیغی برافزوده (ترکیب اضافی) به کار برده می‌شود؛ بدان‌سان که یکی از دو سوی تشبیه به دیگری برافزوده می‌گردد. این آمیغ همان است که در دستور زبان آن را «اضافه تشبیهی» می‌خوانند» (کزازی، ۱۳۶۸: ۷۳).

با دقت در مطالب گفته‌شده، می‌توان چنین انگاشت که بلاغت‌نویسان متأخر همگی در تعریف تشبیه بلیغ اجماع و اتفاق نظر دارند و همگی تشبیه بلیغ را تشبیهی می‌دانند که مجمل و مؤکد باشد؛ یعنی ادات و وجه شبه هر دو محذوف باشد، اما مصداق‌ها و نمونه‌هایی را که ذکر می‌کنند، ناقض تعاریف آن‌ها است؛ زیرا در بسیاری از اضافه‌های تشبیهی، وجه شبه ذکر می‌شود. بر این اساس، درست آن است که بگویم اضافه‌های تشبیهی دو نوع هستند:

۴-۱. تشبیهات اضافی بلیغ یا تشبیه بلیغ اضافی

در این نوع تشبیه، طرفین تشبیه-که هر دو اسم هستند- به هم اضافه می‌شوند و ادات و وجه شبه محذوف‌اند. اصطلاح تشبیه بلیغ به معنی تشبیهی که وجه شبه و ادات آن حذف است از بر ساخته‌های متأخرین است و در کتب بلاغت متقدمان از تشبیه بلیغ به این معنی سخنی نرفته است. علامه‌همایی می‌نویسد:

«توضیحاً تشبیه بلیغ به معنی که ما نوشتیم اصطلاح جدید است اما صاحب مطول در حذف و ذکر ادات، فقط دو قسم مؤکد و مرسل می‌گوید. مؤکد آن است که

ادات تشبیه حذف شده اعم از اینکه وجه شبه مذکور باشد یا محذوف و همچنین مرسل اعم است از ذکر و حذف وجه شبه. پس بلیغ موردی نخواهد داشت. اصطلاح بلیغ در مطول، تشبیه بعید غریب را گویند. نگارنده می گویم تشبیه بلیغ مرادف محذوف الادات و وجه الشبه است» (همایی، ۱۳۷۰؛ ۱۶۰).

تشبیه بلیغ اضافی دو ساختار متفاوت دارد:

۴-۱-۱. اضافه «مشبه به» به «مشبه»

در این ساختار مشبه به، هسته گروه اسمی و مشبه، وابسته و مضاف الیه است. اغلب اضافه های تشبیهی بلیغ، این ساختار را دارند.

ناوک غمزه بیار و رسن زلف که من جنگ ها با دل مجروح بلاکش دارم

(حافظ، ۱۳۸۴: ۲۲۳)

به خلدم دعوت ای زاهد مفرما که این سبب زرخ ز آن بوستان به

(همان: ۲۹۰)

شبی می گفت چشم کس ندیده است ز مروارید گوشم در جهان به

(همان: ۲۹۰)

۴-۱-۲. اضافه «مشبه» به «مشبه به»

در این ساختار مشبه، هسته گروه اسمی و مشبه به وابسته از نوع مضاف الیه است. این ساختار کاربرد بسیار کمتری نسبت به نوع اول؛ یعنی اضافه «مشبه به» به «مشبه» دارد.

لطیفه ای ست نهانی که عشق از او خیزد که نام آن نه لب لعل و خط زنگاری ست

(حافظ، ۱۸۴: ۴۶)

فرخنده باد طلعت خوبت که در ازل بریده اند بر قد سروت قبای ناز

(همان: ۱۷۶)

۴-۲. اضافه تشبیهی مفصل

اگرچه در کتب بلاغی متأخر همه اضافه‌های تشبیهی را تشبیه بلیغ دانسته‌اند اما با کمی دقت می‌توان دریافت که بسیاری از اضافه‌های تشبیهی، بلیغ نیستند؛ زیرا در اغلب موارد، اضافه‌های تشبیهی دارای وجه شبه هستند و این وجوه شبه ممکن است قبل، بعد یا حتی در میان ترکیب اضافی آمده باشد. درست آن است که بگوییم بعضی از اضافه‌های تشبیهی بلیغ هستند و بعضی هم بلیغ نیستند، همان‌طور که می‌توان گفت بعضی از تشبیهات بلیغ، اضافی هستند و بعضی اضافی نیستند. «میان تشبیه بلیغ و اضافه تشبیهی نسبت عموم و خصوص من وجه برقرار است» (صحرائی قاسم و حیدری علی، ۱۳۸۷: ۴۰). برای درک تفاوت میان تشبیه بلیغ اضافی و اضافه تشبیهی غیربلیغ بیت زیر از حافظ را بررسی می‌کنیم:

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از کشته خویشت آمد و هنگام درو
(حافظ، ۱۳۸۴: ۲۸۱)

در مصراع اول، دو ترکیب اضافی تشبیهی داریم که از نظر ارکان با هم متفاوت‌اند.

در ترکیب اضافی دوم؛ یعنی «داس مه نو»، «مه نو» مشبّه، «داس» مشبّه‌به است و ادات و وجه شبه هر دو محذوف‌اند؛ پس می‌توان گفت ترکیب اضافی «داس مه نو» تشبیه بلیغ اضافی است اما در ترکیب «مزرع سبز فلک» ساختار متفاوت است:

فلک: مشبّه مزرع: مشبّه‌به سبز بودن: وجه شبه
ژرف ساخت این گروه اسمی تشبیهی این گونه است: فلک از جهت سبز بودن مانند مزرع است.

از آنجا که شرط بلیغ بودن، اجتماع مجمل و موکد بودن تشبیه است، پس این گونه ترکیبات اضافی که وجه شبه دارند نمی‌توانند بلیغ باشند و بهتر است آن‌ها را اضافه تشبیهی غیربلیغ یا به نام دقیق تر آن؛ یعنی اضافه تشبیهی مفصل بخوانیم. در این گونه تشبیهات وجه شبه معمولاً خارج از ساختار ترکیب اضافی می‌آید و شاید

دلیلی که باعث شده همه تشبیهات اضافی را بلیغ بدانند همین نکته باشد، اما با کمی دقت می‌توان وجه شبه را قبل یا بعد از ترکیب اضافی آشکارا دریافت. هرچند در مواردی دیده می‌شود که قید مضاف، خود وجه شبه است و در ساختار اضافه هم حضور دارد. برای هر کدام نمونه‌هایی ذکر می‌کنیم:

۲-۱- تشبیهات اضافی مفصلی که وجه شبه آن‌ها قبل از ترکیب تشبیهی آمده است:

رواست در بر اگر می‌تپد کبوتر دل
که دیده در ره خود تاب و پیچ دام و نشد
(حافظ، ۱۳۸۴: ۱۱۴)

سال هشتم - پاییز و زمستان ۱۳۹۶ - شماره شانزدهم

تشبیه اضافی: کبوتر دل
به خاک پای تو سوگند و نور دیده حافظ
وجه شبه: تپیدن
که بی رخ تو فروغ از چراغ دیده ندیدم
(همان: ۲۲۰)

تشبیه اضافی: چراغ دیده
جمیله‌ای است عروس جهان ولی هش دار
وجه شبه: فروغ و روشنی
که این مخدره در عقد کس نمی‌آید
(همان: ۱۵۶)

تشبیه اضافی: عروس جهان
آن را که بوی عنبر زلف تو آرزوست
وجه شبه: جمیله بودن
چون عود گو بر آتش سودا بسوز و ساز
(همان: ۱۷۶)

تشبیه اضافی: عنبر زلف
دیدی آن قهقهه کبک خرامان حافظ
وجه شبه: بوی خوش داشتن
که ز سر پنجه شاهین قضا غافل بود
(همان: ۱۴۱)

نگاهی نو به ساختار تشبیهات اضافی و وصفی با تأکید بر اشعار حافظ _____ ۹۵

تشبیه اضافی: شاهین قضا وجه شبه: سرپنجه داشتن
در دو مورد آخر وجه شبه در ساختار گروه اسمی و در جایگاه هسته قرار دارد.

۲-۲-۴. تشبیهات اضافی مفصلی که وجه شبه بعد از ترکیب تشبیهی آمده است.

آمدن وجه شبه بعد از ترکیب اضافی تشبیهی کاربرد بسیار زیادی دارد. چند نمونه را ذکر می‌کنیم:

هم گلستان خیالم ز تو پر نقش و نگار هم مشام دلم از زلف سمن‌سای تو خوش
(حافظ، ۱۳۸۴: ۱۹۴)

تشبیه اضافی: گلستان خیال وجه شبه: پر نقش و نگار بودن
بیا که ترک فلک خوان روزه غارت کرد هلال عید به دور قدح اشارت کرد
(همان: ۸۹)

تشبیه اضافی: ترک فلک وجه شبه: غارتگر بودن
نمونه‌های دیگر:
رهزن دهر نخفته‌ست مشو ایمن از او اگر امروز نبرده است که فردا ببرد
(همان: ۸۷)

حافظ عروس طبع مرا جلوه آرزوست آینه‌ای ندارم از آن آه می‌کشم
(همان: ۲۳۳)

یکی از شگردهای هنرمندانه حافظ در به‌کارگیری ترکیبات اضافی تشبیهی آن است که برای دو تشبیه اضافی یک وجه شبه ذکر می‌کند که البته با تأویل، وجه شبه

برای هر کدام متفاوت خواهد بود. این نوع وجه شبه دو گانه را - که البته تفاوت آن‌ها در مقولهٔ دستوری است - می‌توان نوع زیبایی از استخدام دانست.

رشته صبرم به مقراض غمت بریده شد همچنان در آتش مهر تو سوزانم چو شمع
(همان: ۱۹۹)

در مصراع اول دو تشبیه اضافی داریم که فعل «بریده شد» با تأویل برای هر دو وجه شبه است.

تشبیه اول: رشته صبر وجه شبه: بریده شدن

تشبیه دوم: مقراض غم وجه شبه: برندگی

آتش زهد و ریا خرمن دین خواهد سوخت حافظ این خرقة پشمینه بینداز و برو
(همان: ۲۸۱)

وجه شبه: سوزندگی

تشبیه اول: آتش زهد و ریا

وجه شبه: سوختن

تشبیه دوم: خرمن دین

نمونه‌ای دیگر:

جان عزیز خود به نوا می‌فرستم

تا لشکر غمت نکند ملک دل خراب

(همان: ۶۳)

۴-۲-۳. تشبیهات مفصلی که وجه شبه آن‌ها به صورت صفت مضاف بین مضاف و مضاف‌الیه می‌آید.

پیش‌تر گفتیم که معمولاً وجه شبه خارج از ساختار تشبیه اضافی می‌آید و همین دلیل باعث شده است که اهل بلاغت همهٔ اضافه‌های تشبیهی را تشبیه بلیغ بدانند؛ اما اگر دقت شود می‌بینیم که در موارد بسیاری وجه شبه در ساختار ترکیب اضافی آمده و این هنگامی است که مضاف مقید به صفتی است و همان قید، وجه شبه است.^۱

جز فلاطون خم‌نشین شراب سرّ حکمت به ما که گوید باز

(حافظ، ۱۳۸۴: ۱۷۸)

فلاطون: مشبه به شراب: مشبه

دو وجه شبه برای «فلاطون شراب» در این بیت ذکر شده که یکی تحقیقی و دیگری تخیلی است.

خم نشینی: وجه شبه تحقیقی سر حکمت گفتن: وجه شبه تخیلی

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو

(همان: ۲۸۱)

فلک: مشبه مزرع: مشبه به سبز بودن: وجه شبه

به بوی مزده وصل تو سحر تا شب دوش به راه باد نهادم چراغ روشن چشم

(همان: ۲۳۳)

چشم: مشبه چراغ: مشبه به روشنی: وجه شبه

البته با وجود اینکه وجه شبه، معمولاً نزدیک به ترکیب - هر چند خارج از ساختار اضافی - می آید، اما گاهی دیده می شود وجه شبه با فاصله زیادی از ترکیب تشبیهی ذکر شده است و این شاید دلیل دیگری باشد بر اینکه در تشبیهات اضافی، همیشه وجه شبه را - به غلط - محذوف دانسته اند. در این گونه موارد معمولاً اضافه تشبیهی در مصراع اول و وجه شبه در مصراع دوم می آید.

به پیش آینه دل هر آنچه می دارم به جز خیال جمالت نمی نماید باز

(حافظ، ۱۳۸۴: ۱۷۷)

تشبیه اضافی: آینه دل وجه شبه: باز نمودن (نمایاندن)

نمونه ای دیگر:

همیشه وقت تو ای عیسی صبا خوش باد که جان حافظ دل خسته زنده شد به دمت

(همان: ۶۵)

تشبیه اضافی: عیسی صبا وجه شبه: دم زندگی بخش داشتن

۵. تشبیهات وصفی

اگرچه در هیچ کدام از کتب بلاغی متقدم و متأخر از تشبیه وصفی با ساختار موردنظر ما سخنی به میان نیامده است؛ اما واقعیت این است که درصد بالایی از گروه‌های اسمی که بیانگر رابطه شباهت هستند، دارای ساختار اضافه صفتی هستند؛ یعنی در ساختمان این نوع تشبیهات بعد از نقش نمای اضافه (کسره اضافه) صفت می‌آید نه مضاف‌الیه. در تشبیهات وصفی همیشه «مشبه» هسته است و دیگر ارکان تشبیه در جایگاه وابسته قرار می‌گیرند. چیزی که در ترکیبات اضافی تشبیهی معمولاً برعکس آن دیده می‌شود؛ زیرا در ترکیبات اضافی (اضافه‌های اسمی) غالباً «مشبه به» هسته گروه اسمی است و «مشبه»، مضاف‌الیه و وابسته است و در موارد کمی عکس آن اتفاق می‌افتد. البته باید توجه داشت که در تشبیهات وصفی هم مانند تشبیهات اضافی، طرفین تشبیه (مشبه و مشبه‌به) هر دو اسم هستند با این تفاوت که در تشبیهات وصفی، مشبه‌به - که اسم است - با ادات یا وجه شبه آمیخته می‌شود و یک صفت مرکب یا مشتق می‌سازد. شاعران و نویسندگان از ترکیبات تشبیهی وصفی به شکل‌های مختلف و ساختارهای متفاوت استفاده کرده‌اند. در ادامه به انواع تشبیهات وصفی بر اساس ساختار ظاهری، حذف و ظهور ادات و وجه شبه می‌پردازیم.

۵-۱. تشبیه وصفی گسترده (چهار رکنی)

در تشبیه گسترده تمام ارکان ظهور و بروز دارند و هیچ رکنی محذوف نیست. نکته جالب در تشبیه گسترده وصفی این است که تمام ارکان تشبیه در یک واحد نحوی و در یک گروه اسمی به هم می‌پیوندند، چیزی که در تشبیه گسترده غیروصفی امکان بروز آن نیست؛ زیرا در ترکیبات اضافی تشبیهی حداکثر سه رکن؛ یعنی مشبه، مشبه‌به و وجه شبه در قالب یک گروه اسمی می‌آیند و ادات همیشه محذوف است؛ اما در ترکیبات وصفی تشبیهی هر چهار رکن را می‌توان در یک گروه اسمی آورد.^۲

به یاد لعل لب و چشم مست می‌گونت ز جام غم می‌لعلی که می‌خورم خون است
(حافظ، ۱۳۸۴: ۳۸)

گروه اسمی «چشم مست می‌گون» یک ترکیب وصفی است که هر چهار رکن تشبیه را در خود دارد.

چشم: مشبه می: مشبه‌به گون: ادات تشبیه مستی: وجه شبه
ژرف ساخت این تشبیه این گونه است: چشم از جهت مست کنندگی مانند «می» است.

باید توجه داشت که اگرچه مشبه (چشم) مقید به صفت مستی آور است اما این صفت در مشبه‌به (می) اقوی و اعراف است.

حافظ جای دیگری آشکارا «مست» را در معنای مستی آور و مست کننده برای باده به صورت صفت آورده است:

آنچه او ریخت به پیمانۀ ما نوشیدیم اگر از خمر بهشت است و گر از باده مست
(همان: ۲۰)

آن چشم جادوانۀ عابد فریب بین کش کاروان سحر ز دنباله می‌رود
(همان: ۱۵۳)

کل مصراع اول، یک واحد نحوی و یک گروه اسمی است که هسته آن «چشم» است. تمامی ارکان تشبیه را در این گروه اسمی می‌توان دید.

مشبه: چشم مشبه‌به: جادو

ادات: پسوند صفت‌ساز «انه» وجه شبه: عابد فریب بودن

غبار راه طلب کیمیای بهروزی است غلام دولت آن خاک عنبرین بویم
(همان: ۲۶۲)

«آن خاک عنبرین بو» یک گروه اسمی است که هسته آن «خاک» است. در این ترکیب وصفی تشبیهی، تمام ارکان حضور دارد. اگر این گروه اسمی را به جمله تبدیل کنیم ارکان تشبیه را راحت تر می‌توان دریافت. خاک از نظر بو مانند عنبر است. ادات تشبیه در این ترکیب پسوند صفت‌ساز «ین» است.

۵-۲. تشبیه وصفی مرسل

تشبیه مرسل، تشبیهی است که ادات در آن ذکر شود. در ترکیبات وصفی تشبیهی معمولاً ادات با مشبّه به در قالب یک صفت، بعد از مشبّه می آید.^۳ صفت‌هایی که آمیخته‌ای از مشبّه به و ادات تشبیه هستند، از نظر ساختمان، صفت مشتق به حساب می آیند؛ زیرا همگی دارای یک تکواژ پایه و یک «وند» اشتقاقی هستند. فرشیدورد درباره صفت مشتق چنین می نویسد: «صفت بیانی مشتق آن است که با پسوندها و پیشوندهای اشتقاقی ساخته شود؛ مانند: دانا، ناتوان، ستمگر. بنیاد صفت‌های مشتق ممکن است اسم، ماده یا ریشه فعل، صفت و قید باشد؛ مانند ایرانی، دانا، ناگهانی و همیشگی» (فرشیدورد، ۱۳۸۴: ۲۷۷-۲۷۸).

ساختمان تشبیه وصفی مرسل در یک گروه اسمی اغلب به شکل زیر است:

موصوف (مشبّه) + نقش‌نمای اضافه + صفت مشتق (مشبّه به + ادات)

بسیاری از پسوندها بر تشبیه و همانندی دلالت دارند و در ترکیب با اسم، صفت‌های تشبیهی را می سازند. فرشیدورد در ذیل پسوندهای همانندی، تشبیه و رنگ که صفت مشتق می سازند می نویسد:

«این عناصر عبارت‌اند از: گون، گونه، وار، وش (فش)، آسا (سا)، سان، دیس (دیز)، فام (پام، اوام، بام)، انه، گانه، ویه، ون، وند. مثال: سلیمان وار، برق آسا، مهوش، خورشیدفش، مشک‌سا، مرغ‌سان، نیلگون، غزل‌گونه، فرخاردیس، شب‌دیز، سیویه، فولادوند، خداوند، صبح‌فام، سپیدفام و شاهانه» (همان: ۲۷۸).

در نمونه‌های زیر پسوندهای «گون»، «وش»، «ین»، «ی» و «انه» در ساختمان صفت مشتق به عنوان ادات تشبیه به کار گرفته شده‌اند:

هردم به یاد آن لب میگون و چشم مست از خلوت‌م به خانه خمار می کشی

(حافظ، ۱۳۸۴: ۳۲۱)

لب (موصوف): مشبّه میگون (صفت): می (مشبّه به) + گون (ادات تشبیه)

نگاهی نو به ساختار تشبیهات اضافی و وصفی با تأکید بر اشعار حافظ _____ ۱۰۱
خال مشکین که بدان عارض گندم گون است سر آن دانه که شد رهنز آدم با اوست
(همان: ۴۱)

عارض (موصوف): مشبّه
گندم گون (صفت): گندم (مشبّه به) + گون (ادات تشبیه)
من آدم بهشتیم اما در این سفر حالی اسیر عشق جوانان مهوشم
(همان: ۲۳۲)

جوانان (موصوف): مشبّه مهوش (صفت): مه (مشبّه به) + وش (ادات)
گاهی پسوندهای نسبت ساز؛ مانند «ین»، «ی» و «انه» مفهوم همانندی و شباهت را
القا می کنند و می توان آن ها را ادات تشبیه دانست:
میان گریه می خندم که چون شمع اندرین مجلس زبان آتشینم هست لیکن در نمی گیرد
(همان: ۱۰۲)

جو لعل شکرینت بوسه بخشد مذاق جان من زو پر شکر باد
(همان: ۷۲)

«گاه با الحاق «ی» نسبت به آخر مشبّه به مفهوم شباهت به دست می آید. این نوع
«ی» را میرزا حبیب اصفهانی «ی» مشابهت نام نهاده است» (نشاط، ۱۳۷۰: ۱۱۸).
نماز در خم آن ابـروان مـحرابی کسی کند که به خون جگر طهارت کرد
(حافظ، ۱۳۸۴: ۹۰)

دل صنوبریم همچو بید لرزان است ز حسرت قد و بالای چون صنوبر دوست
(همان: ۴۳)

موصوف (مشبّه) + صفت (حرف اضافه (ادات) + متمم (مشبّه به)
گاهی ساختار ترکیب وصفی تشبیهی به شیوه ای است که ادات قبل از مشبّه به
و به صورت حرف اضافه می آید؛ یعنی حرف اضافه و متمم روی هم یک صفت
هستند:

بعد از این دست من و زلفِ چو زنجیر نگار چند و چند از پی کام دل دیوانه روم
(همان: ۲۴۸)

زلف (موصوف): مشبه چو زنجیر (صفت): ادات (چو) + به (زنجیر)
نمونه‌های دیگر:

روز در کسب هنر کوش که می‌خوردن روز دل چون آینه را زنگِ ظلام اندازد
(همان: ۱۰۲)

تا آسمان ز حلقه به گوشان ما شود کو عشوه‌ای ز ابروی همچون هلال تو
(همان: ۲۸۲)

باید دانست که ترکیباتی مانند «زلفِ چو زنجیر»، «دلِ چون آینه» و «ابرویِ همچون هلال» ترکیب وصفی هستند نه اضافی. می‌دانیم که «ی» نکره به موصوف می‌پیوندد نه به مضاف؛ مثلاً نمی‌توان گفت «مرغی دل» به دلیل اینکه «مرغ دل» ترکیب اضافی است اما به راحتی می‌توان گفت: ابرویی همچون هلال یا زلفی چو زنجیر. در واقع «زلفِ چو زنجیر» همان زلف زنجیری است و «ابرویِ همچون هلال» همان ابروی هلالی و آشکار است که زنجیری و هلالی، صفت هستند نه مضاف‌الیه. نمونه‌های این نوع تشبیه با «ی» نکره:

زیادتی مطلب کار بر خود آسان کن صراحی می لعل و بتی چو ماهت بس
(همان: ۱۸۲)

شود غزاله خورشید صید لاغر من گر آهوپی چو تو یک دم شکار من باشی
(همان: ۳۲۰)

۳-۵. تشبیه وصفی مفصل

چنان که می‌دانیم در تشبیهات مفصل وجه شبه همواره حضور دارد. در تشبیهات مفصلی که به صورت گروه اسمی وصفی می‌آیند موصوف مشبه است و صفت - که یک صفت مرکب است - آمیخته‌ای از مشبه‌به و وجه شبه. ساختمان تشبیهات مفصل وصفی در یک گروه اسمی این گونه است:

نگاهی نو به ساختار تشبیهات اضافی و وصفی با تأکید بر اشعار حافظ _____ ۱۰۳

موصوف (مشبه) + نقش‌نمای اضافه + صفت مرکب (مشبه‌به + وجه شبه)
آن زمان وقت می صبح فروغ است که شب
گرد خرگاه افق پرده شام اندازد
(همان: ۱۰۲)

می (موصوف): مشبه، صبح فروغ (صفت مرکب): صبح (مشبه‌به) + فروغ (وجه شبه)
ژرف ساخت این تشبیه این گونه است: می از جهت فروغ و روشنی مانند صبح است.

نمونه‌های دیگر:

کجاست صوفی دجال فعل ملحدشکل
بگو بسوز که مهدی دین پناه رسید
(همان: ۱۶۳)

بر دلم گرد ستم‌هاست خدایا میسند
که مکدر شود آینه مهر آیینم
(همان: ۲۴۴)

ز دست شاهد نازک عذار عیسی دم
شراب نوش و رها کن حدیث عاد و ثمود
(همان: ۱۴۹)

باید دقت داشت که شاهد به عیسی تشبیه شده است و وجه شبه داشتن دم جان‌بخش است. نمی‌توان گفت دم مانند عیسی است.

بیار زان می گلرنگ مشک بو جامی
شرار رشک و حسد در دل گلاب انداز
(همان: ۱۷۸)

برای «می» دو صفت ذکر شده است و وجه شبه در ساختار هر دو صفت آمده است.

می گلرنگ: می از نظر رنگ، مانند گل است.

می مشک بو: می از نظر بو مانند مشک است.

در مثال اول «رنگ» وجه شبه است نه ادات و در مثال دوم هم «بو» به مشک تشبیه نشده است بلکه وجه شبه است برای تشبیه «می» به «مشک».

۴-۵. تشبیه وصفی بلیغ

در موارد بسیاری موصوف در ساختار تشبیه نقشی ندارد و صفت مرکب به تنهایی، ترکیبی است از مشبّه و مشبّه‌به. در واقع وابسته صفتی در گروه اسمی به تنهایی مفهوم شباهت را القا می‌کند؛ یعنی طرفین تشبیه فقط در یک واژه (صفت) آمده‌اند. به همین دلیل می‌توان آن را تشبیه درون‌واژه‌ای نامید. تشبیهات درون‌واژه‌ای معمولاً بلیغ هستند و ادات و وجه شبه آن‌ها محذوف است. مهدوی‌فر درباره این نوع تشبیه می‌نویسد: «تشبیه بلیغ وصفی اسمی است که نگارنده عجالتاً برای این ساخت تشبیهی نویافته وضع کرده است. تشبیه بلیغ وصفی به صورت یک صفت مرکب می‌آید. این صفت مرکب از دو واژه یا دو عنصر تشکیل می‌شود که را بطن تشبیهی با هم دارند» (مهدوی‌فر، ۱۳۹۱: ۷۰).

حافظ مکن اندیشه که آن یوسف مهرو باز آید و از کلبه احزان به در آیی

(حافظ، ۱۳۸۴: ۳۵۳)

در گروه اسمی «آن یوسف مهرو» صفت مرکب «مهرو» وابسته پسین است که طرفین تشبیه در آن با هم آمیخته شده‌اند. در این گروه اسمی یوسف به مه تشبیه نشده است بلکه روی یوسف به مه مانده شده است.

نمونه‌های دیگر:

گلبن عیش می‌دمد ساقی گل‌عذار کو باد بهار می‌وزد باده خوش‌گوار کو
(همان: ۲۸۶)

ساقی شکردهان و مطرب شیرین‌سخن همنشینی نیک‌کردار و ندیمی نیک‌نام
(همان: ۲۱۰)

نگاهی نو به ساختار تشبیهات اضافی و وصفی با تأکید بر اشعار حافظ _____ ۱۰۵

البته در موارد زیادی صفات مرکب تشبیهی جانشین اسم می‌شوند و موصوف آن‌ها محذوف است. گاهی این صفات با «ی» نکره یا نشانه جمع همراه می‌شوند.

روزها رفت که دست من مسکین نگرفت زلف شمشادقدی ساعد سیم‌اندامی
(همان: ۳۲۸)

مگر زنجیر مویی گیردم دست و گرنه سر به شیدایی بر آرم
(همان: ۲۲۰)

گل‌عداری ز گلستان جهان ما را بس زین چمن سایه آن سرو روان ما را بس
(همان: ۱۸۲)

شاه شمشادقدان خسرو شیرین دهنان که به مژگان شکند قلب همه صف‌شکنان
(همان: ۲۶۶)

شراب لعل کش و روی مه‌جبینان بین خلاف مذهب آنان جمال اینان بین
(همان: ۲۷۸)

۶. تشبیهات دوگانه (اضافی و وصفی) در ساختار یک گروه اسمی

یکی دیگر از هنرنمایی‌های حافظ در استفاده از عنصر خیالی تشبیه، به کارگیری دو تشبیه اضافی و وصفی در قالب یک گروه اسمی است. در چنین تشبیهی برای یک مشبّه، دو مشبّه‌به آورده می‌شود و می‌توان آن را نوع هنرمندانه‌تری از تشبیه جمع (مانند کردن یک چیز به چند چیز) دانست. در این گونه تشبیهات مشبّه، نقش وابسته مضاف‌الیهی برای «مشبّه‌به» پیشین (مضاف) دارد و در عین حال هسته است برای «مشبّه‌به» پسین و اداتی که در ساختار صفت آمده است.

ساختار این نوع تشبیه به شکل زیر است:

(مضاف) مشبّه‌به + نقش‌نمای اضافه + مشبّه (مضاف‌الیه) + نقش‌نمای اضافه +
صفت (مشبّه‌به + ادات)

گر کمیت اشک گلگونم نبودی گرم‌رو کی شدی روشن به گیتی راز پنهانم چو شمع

(حافظ، ۱۳۸۴: ۱۹۹)

در گروه اسمی «کمیت اشکِ گلگون» دو تشبیه داریم: ۱. تشبیه اضافی «کمیت اشک»، ۲. تشبیه وصفی «اشکِ گلگون».

چنان که می بینیم در هر دو تشبیه مشبه اشک است و مشبّه به در تشبیه اول مضاف است و در تشبیه دوم جزئی از صفت مشتق.

کمیت: مشبّه به، اشک: مشبه، گلگون (صفت مشتق): گل (مشبّه به) + گون (ادات تشبیه)

گر به کاشانه رندان قدمی خواهی زد نقل شعر شکرین و می بی غش دارم
(همان: ۲۲۳)

نقل: مشبّه به، شعر: مشبه، شکرین (صفت مشتق): شکر (مشبّه به) + ین (ادات تشبیه)

۷. نتیجه گیری

با دقت در مطالب ذکر شده، می توان نتایج حاصل از این پژوهش را این گونه ارائه کرد:

۱. یکی از شیوه های زیبای تشبیه پردازی، آوردن ارکان تشبیه در ساختار یک گروه اسمی است.
۲. تشبیهاتی که در ساختار یک گروه اسمی می آیند، می توانند تشبیه اضافی یا تشبیه وصفی باشند.
۳. تشبیهات اضافی همیشه بلیغ نیستند. بسیاری از تشبیهات اضافی، مفصل هستند؛ یعنی وجه شبه آن ها ذکر شده است.
۴. وجه شبه در اضافه های تشبیهی، اغلب خارج از ساختار اضافه می آید. البته نمونه های زیادی هم می توان آورد که وجه شبه به صورت صفت مضاف، میان مضاف و مضاف الیه ذکر می شود.

۵. در تشبیهات اضافی، تنها رکنی که همیشه محذوف است، ادات تشبیه است.
۶. در تشبیهات وصفی تمام ارکان تشبیه را می‌توان در یک واحد نحوی و یک گروه اسمی آورد اما در تشبیه اضافی حداکثر سه رکن، یعنی مشبّه، مشبّه‌به و وجه شبه را می‌توان در قالب یک گروه اسمی آورد.
۷. در تشبیهات وصفی اگر بعد از موصوف، صفت مشتق بیاید- در صورتی که تشبیه گسترده و کامل نباشد- تشبیه از نوع وصفی مرسل است؛ زیرا ادات تشبیه همان «وند» اشتقاقی است که صفت مشتق ساخته است اما اگر بعد از موصوف، صفت مرکب بیاید تشبیه از نوع وصفی مفصل خواهد بود.
۸. در تشبیهات وصفی - به جز تشبیه وصفی بلیغ که هر دو طرف تشبیه در یک صفت به هم می‌آمیزند- همیشه مشبّه، هسته گروه اسمی است اما در تشبیهات اضافی بیشتر «مشبّه‌به» هسته است و در موارد کمتری «مشبّه» هسته واقع می‌شود. در تشبیهات اضافی حتی مواردی را می‌توان یافت که وجه شبه، هسته است. در واقع در تشبیهات اضافی به جز ادات، دیگر ارکان تشبیه همگی می‌توانند در جایگاه هسته در گروه اسمی قرار گیرند.
۹. در میان غزلیات حافظ، گروه‌هایی اسمی را می‌توان یافت که هر دو نوع تشبیه وصفی و اضافی درهم آمیخته شده‌اند.
۱۰. تشبیه چه اضافی باشد چه وصفی، طرفین تشبیه (مشبه و مشبّه‌به) هر دو اسم هستند و آمیزش ادات یا وجه شبه با اسم، صفت تشبیهی می‌سازد.

پی‌نوشت‌ها

۱. نمونه‌ای از خاقانی:

مریم بکر معانی را منم روح القدس عالم ذکر معالی را منم فرمانروا
(خاقانی، ۱۳۹۲: ۴)

معانی: مشبّه مریم: مشبّه‌به بکر بودن: وجه شبه

۲. نمونه‌ای از خاقانی:

محرمان چون ردی صبح برآرند به کتف کعبه را سبز لباسی فلک آسا بینند
(خاقانی، ۱۳۹۲: ۳۱)

در گروه اسمی «سبز لباسی فلک آسا» سبز صفت لباس است که به صورت مقلوب و قبل از موصوف آمده است. ژرف ساخت این تشبیه این گونه است: لباسی که از جهت سبز بودن مانند فلک است.

لباس: مشبّه فلک: مشبّه به سبز بودن: وجه شبه آسا: ادات تشبیه
۳. نمونه‌ای از سعدی:

چه قدر آورد بنده حور دیس که زیر قبا دارد اندام پیس
(سعدی، ۱۳۹۳: ۱۴۲)

بنده (موصوف): مشبّه وردیس (صفت): حور (مشبّه به) + دیس (ادات تشبیه)

منابع

- تفتازانی (۱۴۰۹ق)، **المطول**، قم: مکتبه الداوری.
- ثروتیان، بهروز (۱۳۶۹)، **بیان در شعر فارسی**، چ ۱، تهران: برگ.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۴)، **دیوان**، به کوشش محمد قزوینی و قاسم غنی، چ ۹، تهران: زوار.
- خاقانی، بدیل بن علی (۱۳۹۲)، **گزیده اشعار خاقانی**، ضیاءالدین سجادی، چ ۱۹، تهران: امیرکبیر.
- خطیب قزوینی، جلال‌الدین محمد (۱۹۰۴م)، **التلخیص فی علوم البلاغه**، ضبط و شرح عبدالرحمن البرقوقی، [بی‌جا]: دارالفکر العربی.
- سعدی شیرازی، مصلح بن عبدالله (۱۳۹۳)، **بوستان**، غلامحسین یوسفی، چ ۱۲، تهران: خوارزمی.
- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۵)، **صور خیال در شعر فارسی**، چ ۶، تهران: آگاه.
- شمس‌ا، سیروس (۱۳۸۱)، **بیان**، چ ۹، تهران: فردوس.
- صادقیان، محمد علی (۱۳۸۲)، **طراز سخن در معانی و بیان**، یزد: ریحانه الرسول.

- نگاهی نو به ساختار تشبیهات اضافی و وصفی با تأکید بر اشعار حافظ _____ ۱۰۹
- صحرایی قاسم و علی حیدری (۱۳۸۷)، «آیا اضافه تشبیهی همان تشبیه بلیغ است؟»، آموزش زبان و ادب فارسی، دوره بیست و دوم، شماره ۱، صص ۳۸-۴۰.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۴)، دستور مفصل امروز، چ ۲، تهران: سخن.
- _____ (۱۳۵۴)، «ساختمان تشبیه و استعاره در شعر حافظ»، خرد و کوشش، شماره هجدهم، صص ۷۲-۳۵.
- _____ (۱۳۵۳)، «تکامل و انحطاط تشبیه در شعر حافظ»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال بیستم، شماره ۳ و ۴ (پیاپی ۸۳-۸۴)، صص ۲۳-۳۰.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۶۸)، زیباشناسی سخن پارسی ۱ بیان، چ ۱، تهران: مرکز.
- محمدی، محمدحسین (۱۳۹۰)، بلاغت: معانی، بیان و بدیع، چ ۲، تهران: زوآر.
- مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی: واژگان و پیوندهای ساختی، چ ۱، تهران: سمت.
- مهدوی‌فر، سعید (۱۳۹۱)، تشبیه بلیغ وصفی در ادب و بلاغت پارسی بر پایه دیوان خاقانی، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۶۹، صص ۶۹-۷۲.
- نشاط، سید محمود (۱۳۷۰)، ادات تشبیه در زبان فارسی، چ ۲، تهران: سهند.
- وحیدیان کامیار، تقی با همکاری غلامرضا عمرانی (۱۳۸۳)، دستور زبان فارسی (۱)، چ ۶، تهران: سمت.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۰)، معانی و بیان، به کوشش ماهدخت بانو همایی، چ ۱، تهران: هما.

